

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره ی مبارکه طارق

استادضرابی خرداد ۱۴۰۰

جلسه اول ۱۴۰۰/۳/۱۰

آیه شریفه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - به نام خداوند رحمتگر مهربان»

عنوان: طارق، سری از اسرار محمد و آل محمد(ص)

ما همچون ایستاده‌ای بر ساحل اقیانوس که کران تا کران افق دیده‌اش را آب موج و بی‌انتهایی از علم و معرفت پر کرده باشد، در برابر کلمه طیبیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» به هر مقدار از آن بهره‌مند می‌شویم تنها نمی‌از آن ستانده‌ایم. در حدیثی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است: «هنگامی که موسی با خضر (علیهما‌السلام) در کنار دریا ملاقات کرد، پرنده‌ای در برابر آن دو ظاهر شد، قطره‌ای آب دریا با منقارش برداشت، خضر به موسی (علیه‌السلام) گفت: «آیا می‌دانی این پرنده چه می‌گوید؟ موسی گفت: چه می‌گوید؟ خضر گفت: می‌گوید «وَرَبَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ مَا عِلْمُكُمَا مِنْ عِلْمِ اللَّهِ إِلَّا قَدَرٌ مَا أَخَذْتُ بِمِنْقَارِي مِنْ هَذَا الْبَحْرِ - و سوگند به پروردگار آسمان‌ها و زمین و پروردگار دریا، دانش شما دو نفر (موسی و خضر) در مقایسه با علم خدا نیست مگر به اندازه آنچه از آب در منقارم گرفته‌ام نسبت به این دریا» (بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۰۲) و در روایت دیگر آمده: «این پرنده کوچکتر از گنجشک بود و از نوع پرستو بود و گفت: «علم شما در مقابل علم محمد و آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به اندازه مقدار آبی است که به منقار گرفته‌ام نسبت به دریا.» (بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۰۲)

ابان بن تغلب گوید: نزد امام صادق (علیه‌السلام) بودم که مردی از اهالی یمن وارد شد و بر وی سلام کرد و حضرت (علیه‌السلام) جواب سلام وی را داد و

فرمود: «خوش آمدی سعد!» آن مرد گفت: «این همان نامی است که مادرم مرا با آن نامید، و اندک هستند کسانی که نام مرا می‌دانند!» حضرت (علیه السلام) فرمود: «راست گفتی. ای سعد المولی!» پس آن مرد به ایشان عرض کرد: «فدایت شوم! این لقب من بود». امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: «در القاب و عناوین خیری نیست، خداوند عزوجل در قرآن می‌فرماید: و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید. (حجرات/ ۱۱) ای سعد! کارت چیست؟ عرض کرد: «فدایت شوم! من از خانواده‌ای منجم هستم که هیچ‌کس در یمن در علم نجوم از ما داناتر نیست». امام صادق (علیه السلام) فرمود: «... فَمَا زُحَلْ عِنْدَكُمْ فِي النُّجُوم؟ فَقَالَ الْإِيمَانِيُّ نَجْمٌ نَحْسٌ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) لَا تَقُلْ هَذَا فَإِنَّهُ نَجْمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَ هُوَ نَجْمُ الْأَوْصِيَاءِ (علیهم السلام) وَ هُوَ النَّجْمُ الثَّاقِبُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ ... زُحَلْ نَزِدْ شَمَا چگونه ستاره‌ای است؟ آن مرد یمنی گفت: «ستاره‌ای نحس و شوم است». حضرت (علیه السلام) فرمود: «خاموش باش! این سخن را بر زبان نیاور؛ آن ستاره، ستاره‌ی امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ستاره‌ی اوصیاء و جانشینان (علیهم السلام) است، و این ستاره‌ای است که خداوند عزوجل در قرآن از آن به‌عنوان ستاره‌ی درخشان یاد می‌کند». آن مرد یمنی عرض کرد: «پس منظور از درخشان چیست؟» فرمود: «محلّ طلوع این ستاره در آسمان هفتم است، و به‌اندازه‌ی نورافشانی کرد که نور آن در آسمان دنیا نمایان گشت، و از آنجاست که خداوند عزوجل آن را ستاره‌ی درخشان نامید» (الخصال، ج ۲، ص ۴۸۹)

افسوس که ما تشنگانی در کنار اقیانوس ولایت و قرآن کریم، عمر خود را به بطالت می‌گذرانیم و در اندیشه یوم الحسرة خود نیستیم!!!

چون توانستم ندانستم ، چه سود	چون بدانستم، توانستم نبود
این زمان جز عجز و جز بیچارگی	می‌ندارم چاره یک بارگی

عنوان: طارق یا نبأ عظیم، حادثه برپایی سنجش اعمال

ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) در مورد این آیه «وَالسَّمَاءِ وَ الطَّارِقِ» نقل می‌کند که فرمود: «السَّمَاءُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَ الطَّارِقُ

الَّذِي يَطْرُقُ بِالْأَيِّمَةِ (عليهم السلام) مِنْ عِنْدِ رَبِّهِمْ مِمَّا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ
الرُّوحُ الَّذِي مَعَ الْأَيِّمَةِ (عليهم السلام) يُسَدِّدُهُمْ - منظور از آسمان، امیرالمؤمنین
(علیه السلام) است، و طارق کسی است که از نزد پروردگار، از آنچه در شب و
روز اتفاق می‌افتد، برای ائمه (عليهم السلام) خبر می‌آورد؛ همان روحی که همراه
ائمه (عليهم السلام) است و آن‌ها را راهنمایی می‌کند» (بحار الأنوار، ج ۲۴،
ص ۷۰)

در روایتی دیگر ابوبصیر گوید: «به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم:
"النَّجْمُ الثَّاقِبُ" چیست؟ (امام با اینکه قبلاً آن را به وجود امیرالمؤمنین (ع) تفسیر
فرموده بودند، اکنون از باب «جری و تطبیق» و از آن جهت که پیامبر و علی
(علیهما السلام)، دو چهره از یک حقیقت‌اند و نزد اهل معرفت با نام مظاهر
احدیت و واحدیت حضرت حق شمرده می‌شوند)، این بار، فرمودند: "النجم
الثاقب" «پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است». (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۷۰)

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در تفسیر «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ»
فرمود: «منظور، ولایت علی (ع) است که از انسان در قبر درباره آن‌ها سؤال می
شود، و هیچ کس در شرق و غرب عالم، در بر و بحر از دنیا نمی‌رود، مگر این
که فرشتگان از او درباره ولایت امیرمؤمنان (ع) بعد از مرگ پرسش می‌کنند، و
به او می‌گویند: دینت چیست؟ پیامبرت کیست؟ و امامت کیست؟ (شواهد التنزیل
لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۱۸) در حدیث دیگری آمده است: روز جنگ
«صفین» مردی از لشکر «شام» در حالی که سلاح بر تن پوشیده، و قرآنی
حمایل کرده بود، وارد میدان شد، و سوره «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ» را
تلاوت می‌کرد، علی (ع) شخصاً به میدان او آمد و به او فرمود: «أَتَعْرِفُ النَّبَاَ
الْعَظِيمَ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ - آیا می‌دانی نبا عظیمی که در آن اختلاف دارند
چیست؟» آن مرد در جواب گفت: «نه، نمی‌دانم». امام فرمود: «أَنَا وَ اللَّهِ النَّبَاُ
الْعَظِيمُ الَّذِي فِيهِ اخْتَلَفْتُمْ وَ عَلَى وِلَايَتِي تَنَازَعْتُمْ، وَ عَنْ وِلَايَتِي رَجَعْتُمْ بَعْدَ مَا قَبِلْتُمْ...
وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَعْلَمُونَ مَا عَمِلْتُمْ - منم آن نبا عظیم که درباره آن اختلاف دارید و در
ولایت من به نزاع برخاسته اید، شما از ولایت من باز گشتید بعد از آن که
پذیرفتید، و در قیامت خواهید دانست که چه عملی انجام داده‌اید» (مناقب آل
أبی‌طالب، ج ۱، ص ۵۶۴)

نکته‌ای که در این روایت ما نباید از آن غافل شویم این است که روز حساب معلوم می‌شود که با قلب و دست و زبان خود آیا از دوستان ولایت بوده‌ایم یا منکران آن «... وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَعْلَمُونَ مَا عَمِلْتُمْ»

شنیده ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت فراق یار نه آن می کند که بتوان گفت
حدیث هول قیامت که گفت واعظ شهر کنایتی است که از روزگار هجران
گفت

عنوان: انسان بنگرد که از چه چیز آفریده شده است!

همچنانی که چهره ظاهری انسان به پدر و مادر یا دیگرانی از نزدیکان شبیه می‌شود، خو و کردار انسان شبیه به کسانی می‌شود که از آنها تربیت گرفته است.

بنابر این خداوند می‌خواهد با توجه دادن خلقت ظاهری ما که از نطفه است و اساس و بنیاد جسم و بدن ما را می‌سازد، ما را به حقیقت مهم‌تری توجه دهد که همان آفرینش خلقت ملکوتی و هویت انسان بوسیله اعمال اختیاری اوست.

امام علی (علیه السلام) فرمود: «دو نطفه در رحم مقابله می‌کنند و هر کدام بیشتر باشند غلبه می‌کند، اگر از زن بیشتر باشد شباهت به دایی‌ها می‌رساند و اگر از مرد بیشتر باشد ماندی به عموها پیدا می‌کند.» و فرمود: «... قَالَ تَحَوَّلُ النُّطْفَةُ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَدْعُو اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِي تِلْكَ الْأَرْبَعِينَ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ الْمَلَكَ الْأَرْحَامَ فَيَأْخُذُهَا فَيَصْعَدُ بِهَا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَيَقِفُ مِنْهُ حَيْثُ يَشَاءُ اللَّهُ فَيَقُولُ يَا إِلَهِي أَذَكَرٌ أَمْ أُنْثَى فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَا يَشَاءُ وَ يَكْتُبُ الْمَلَكَ - منی چهل روز در رحم می‌چرخد، در این چهل روز باید پیش از آفریده شدن بچه هر که می‌خواهد به درگاه خدا عزوجل دعا کند (سلامت، دختر یا پسر بودن). سپس خدا فرشته‌ی ارحام را می‌فرستد تا آن را به درگاه خدا بالا می‌برد و در پیشگاه او می‌ایستد و می‌گوید: خدایا پسر باشد یا دختر، خدا هر چه را می‌خواهد به او وحی می‌کند و فرشته ثبت می‌کند» (علل الشرایع، ج ۱، ص ۹۵)

انسان هرگز بخاطر زشت و زیبای چهره خود در نزد خدا مؤاخذه نمی‌شود؛ اما بخاطر زشت و زیبای اعمال ظاهری و باطنی خود در نبأ عظیم و در مطابقت با میزان حق، و الگوی انسانیت، قطعاً سنجش می‌شود «إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا

حَافِظٌ» و بخاطر آن به بهشت یا جهنم می‌رود و سعادت و شقاوت او رقم می‌خورد.

درک این حقیقت امروزه که استعداد درک بشر بسیار گسترش یافته، بخصوص در حکمت متعالیه، که اهل معرفت به براهین متین و جازم در محل خود اقامه و اثبات نموده‌اند که چگونه عمل و عامل و معمول با یکدیگر اتحاد پیدا کرده، یکی می‌شوند؛ مانند عقل و عاقل و معقول و همین‌طور علم و عالم و معلوم. بسیار بهتر می‌فهمیم که چگونه انسان از عمل خود ساخته می‌شود، مانند بدن انسان که از غذایی که می‌خورد ساخته می‌شود، غذا جزء بدن بلکه عین آن می‌شود. روح از اعمال و افکار و خواسته‌های خود ساخته می‌شود. از امام حسن مجتبی (علیه السلام) روایت شده است که آن حضرت فرمودند: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيَجْنِبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ - تعجب می‌کنم از کسانی که در غذای جسم خود فکر می‌کنند ولی در امور معنوی و غذای روح خویش اندیشه نمی‌کنند؛ شکم خود را از طعام مضر حفظ می‌کنند ولی از افکار پلیدی که روان را نابود می‌کند پرهیز نمی‌کنند.» (بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۸) آری فردا «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» معلوم می‌شود که چه موجودی از خود ساخته‌ایم.

ای به غفلت گذرانیده همه عمر عزیز	تا چه داری و چه کردی عملت کو
و کدام	
توشه آخرت چیست در این راه دراز	که تو را موی سفید از اجل آورد
پیام	
می‌توانی که فرشته شوی از علم و عمل	لیک از همت دون ساخته ای با دَد و
دام	
چون شوی هم‌ره حوران بهشتی که تو را	همه در آب و گیاه است نظر چون
انعام	
جهد آن کن که نمانی ز سعادت محروم	کار خود ساز که اینجا دو سه
روزیست مقام	

عنوان: هوشیار شویم، سخن خدا را جدی بگیریم.

از مطابقت آیه نخستین این سوره شریفه « وَالسَّمَاءِ وَ الطَّارِقِ » با آخرین آیه « فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُويْدًا » و همچنین تفصیلی که در آیات میانی « إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ وَ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ » آمده است ، پیام این سوره کاملاً روشن می‌شود که حادثه عظیم برپایی حساب و کتاب بر اساس میزان و الگوی انسانیت که رسول خدا و اهل بیت (علیهم السلام) هستند در پیش است، بر ماست که با درک درست از مفهوم کفر و انکار که در مراتب عمل و باور و آرزوهای انسان تحقق پیدا می‌کند، ساده‌انگارانه این مهلت داده شده را سبک نشماریم و نگوییم ما که کافر نیستیم؛ این همه سوگندها برای بیدار نمودن امثال بندهای است که با دل‌خوش کردن به ظواهری از دین و شریعت فرسنگ‌ها از مقام شامخ انسانیت بدورند. اگر کفر اعتقادی در امثال بندهای نباشد به یقین کفر عملی و قلبی نسبت به بسیاری از امور که فرمان الهی به آن تعلق گرفته، با کمی دقت پیدا می‌شود که دغدغه‌ای نسبت به آنها نداریم.

معاذبن جبل گوید: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسیدم: «این اسرار نهانی که بندگان در آخرت با آن آزمایش می‌شوند (يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ)، چیست؟» فرمود: « سَرَائِرُكُمْ هِيَ أَعْمَالُكُمْ مِنَ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْوُضُوءِ وَ الْغُسْلِ مِنَ الْجَنَابَةِ وَ كُلِّ مَفْرُوضٍ لِأَنَّ الْأَعْمَالَ سَرَائِرُ خَفِيَّةٌ، فَإِنْ شَاءَ قَالَ صَلَّيْتُ وَ لَمْ يُصَلِّ وَ إِنْ شَاءَ قَالَ تَوَضَّأْتُ وَ لَمْ يَتَوَضَّأْ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ: يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ. - اسرار نهانی شما اعمال شما است که عبارتند از: نماز، روزه، زکات، وضو، غسل جنابت و هر واجبی؛ چون همه‌ی اعمال، اسرار نهانی هستند؛ مرد اگر خواست می‌گوید: «نماز خواندم» درحالی‌که نماز نخوانده است و اگر خواست می‌گوید: «وضو گرفتم» درحالی‌که وضو نگرفته است و آن سخن خداوند است: يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۲۸)

بسیار بجا خواهد بود که اگر در پیشگاه ربّ رؤوف با مروری که به محتوای سوره داشتیم از رحمت رحمانیه و رحیمیه ذات اقدسش بخواهیم: « إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَيَّ سِتْرَهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ [إِلَهِي قَدْ ... إِلَيَّ] إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُءُوسِ الْأَشْهَادِ. - خدایا پوشاندی بر من گناهانی را در دنیا و من نیازمندترم به پوشاندن آن بر من از جانبیت در آخرت زیرا آشکار نساختی آن را بر هیچ یک از

بندگان نیکو کارت پس رسوا مگردان مرا در روز قیامت بر سر جمع و در
حضور خلاق» (مفاتیح الجنان، اعمال ماه شعبان)

جز یاد دوست هرچه کنی عمر ضایع است جز سرّ عشق، هر چه بگویی
بطالت است

ما را دگر معامله با هیچ کس نماند بیعی که بی حضور تو
کردم ، اِقالَت است

سعدی بشوی لوح دل از نقشِ غیر او علمی که ره به حق ننماید جهالت
است